



Volume 2, Issue 4, 2022

Alimony of Pregnant Woman and Fetus in the Light of Variable Verdicts and its Criminal Sanction

Seyyed Jalal Samadani¹, Mohammad Ali Heidari^{*2}, Mohsen Fahim³

1. PhD student, Department of Theology and Islamic Knowledge, Payame Noor University, Tehran, Iran

2. Assistant Professor, Department of Theology - Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Theology - Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 87-98

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-3821-9684

TELL: +983142292929

Email: mal.heidari@yahoo.com

Article history:

Received: 28 Oct 2022

Revised: 29 Nov 2022

Accepted: 11 Dec 2022

Published online: 22 Dec 2022

Keywords:

*Alimony,
Pregnant Wife, Fetus,
Criminal Sanction,
Variable Verdicts.*

ABSTRACT

Alimony for pregnant women and fetuses is one of the important topics that an attempt was made to analyze it in the light of variable verdicts and to examine its criminal sanction. The current paper is descriptive and analytical and has been explored using the library method. The findings of the present paper indicate that alimony of the wife and fetus is the responsibility of the man, but if the woman leaves her husband's house due to her refusal to fulfill her marital duties, her alimony will be reduced, and the fact that the woman is pregnant has no effect on the reduction of her alimony. But the child's father is responsible for maintaining and alimony of the fetus. Regarding the alimony of a pregnant woman, according to the opinion of most jurists and civil law, if a woman is in a retrograde divorce, she is entitled to alimony and during the period of idah, but a divorced woman is entitled to alimony only if she is pregnant. But regarding the alimony of a pregnant woman of dead husband, the woman is not entitled to alimony. The alimony is one of the subjects that are affected by variable sentences due to the consideration of the time requirements and conditions of the wife and the examples of alimony, which are subject to the custom and social conditions of the wife. Husband refusal to pay alimony to wife is punishable by imprisonment penalty.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Samadani, SJ; Heidari, MA & Fahim, M (2022). "Alimony of Pregnant Woman and Fetus in the Light of Variable Verdicts and its Criminal Sanction". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(4): 87-98.



دوره دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۱

نقشه زن باردار و جنین در پرتو احکام متغیر و ضمانت کیفری آن

سید جلال صمدانی^۱، محمدعلی حیدری^{۲*}، محسن فهیم^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲. استادیار، گروه الهیات_ فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه الهیات_ فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

چکیده

نقشه زن باردار و جنین از موضوعات مهمی است که کمتر مورد بحث و بررسی قرار گرفته و در این مقاله تلاش شده در پرتو احکام متغیر تحلیل شده و به بررسی ضمانت کیفری آن نیز پرداخته شود. مقاله حاضر توصیفی تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای موضوع مورد اشاره بررسی شده است. یافته‌های مقاله بر این امر دلالت دارد نقش زن و جنین بر عهده مرد است اما چنانچه زن از روی نشوز خانه شوهر را ترک کند، نقش او ساقط می‌شود و حامله بودن زن تأثیری در سقوط نقش وی ندارد ولی نقش نگهداری و حفظ جنین بر عهده پدر فرزند می‌باشد. در رابطه با نقش زن باردار طبق نظر اکثر فقها و قانون مدنی، اگر زن در طلاق رجعی باشد در زمان عده، مستحق نقش و اسکان است اما مطلقه باینه فقط در صورتی که باردار باشد، مستحق نقش است. اما در مورد نقش زن باردار در عده وفات، قول مشهور آن است که زن مستحق نقش نیست. نتایج نشان داد نقش از جمله موضوعاتی است که از احکام متغیر به دلیل توجه به مقتضیات زمانی و شرایط زوجه تأثیرپذیراست. مهم‌ترین تأثیر احکام متغیر در دامنه و گستره نقش و به عبارتی مصادیق نقش است که هم در فقه و هم در حقوق موضوعه تابع عرف و شرایط اجتماعی زوجه است. ترک اتفاق از سوی مرد با ضمانت کیفری همراه بوده و مجازات حبس برای آن تعیین شده است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۸۷-۹۸

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد اریکد: ۹۶۸۴-۳۸۲۱-۰۰۳-۰۰۰۰۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۳۱۴۲۲۹۲۹۲۹

ایمیل: mal.heidari@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۶

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

نقشه، زن باردار، جنین، ضمانت کیفری،

احکام متغیر.



مقدمه

گستره مباحث فقهی بسیار وسیع می‌باشد و همه مسائل از قبیل فردی، سیاسی اجتماعی روان‌شناسی و غیره را در برمی‌گیرد. در این میان مسائل مرتبط با زنان نیز به‌عنوان نیمی از جامعه انسانی از جمله مباحث مهمی است که در فقه و حقوق موضوعه به آن پرداخته شده و همواره محل بحث و نظر بوده است. یکی از مباحث مهم حقوق زنان، نفقه است. تکلیف مرد به پرداخت نفقه موکول به تمکین زن از او است، چنانچه در ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی آمده است که «هرگاه زن بدون مانع مشروط از ادای وظایف زوجیت امتناع کند، مستحق نفقه نخواهد بود». پس، اگر زن بدون عذر موجه حاضر نشود که با شوهر خود در یک محل زندگی کند یا با او در تشدید مبانی خانواده همکاری نکند، یا به خواسته‌های مشروع او در مورد معاشرت با دیگران بی‌اعتنا بماند، حقی برای گرفتن نفقه ندارد. چنین زنی را در اصطلاح حقوقی، ناشزه و وضع او را «نشوز» نامند. امتناع از ادای وظایف زوجیت در صورتی موجب نشوز است که زن عذر موجه نداشته باشد، پس اگر به سبب خوف بدنی یا مالی یا شرافتی از سکونت در اقامتگاه شوهر خودداری کند، کار او مانع از ایجاد حق بر نفقه نیست (ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی). همچنین اگر زن از حق حبس استفاده کند و تمکین از شوهر را منوط به گرفتن تمام مهریه خود سازد، این عدم تمکین مانع خواستن نفقه از شوهر نمی‌شود.

بحث نفقه در وضعیت‌های مختلف دارای ابعاد فقهی و حقوقی خاص خود است. نفقه زن باردار و جنین از جمله موضوعاتی است که به دلیل اختلاف نظر فقها از یک سو و مبتلا به بودن بخشی از جامعه به آن نیازمند بحث و بررسی است. یکی از مسائل مهم، توجه به نفقه در پرتو احکام متغیر است. احکام اسلام در ذات و بافت خود، دگرگونی را تحت عنوان احکام متغیر تعبیه کرده است. احکام متغیر با توجه به مقتضیات زمانی و شرایط اجتماعی حاکم وضع می‌شود. در این مقاله تلاش شده به بررسی نفقه زن باردار و جنین در پرتو احکام متغیر و ضمانت کیفری آن پرداخته شود.

در خصوص نفقه و یا موضوعات فقهی و حقوقی زن باردار، تألیفات متعددی انجام شده است: عباس یدالهی باغلوئی، سید محمد آذین و رضا عمانی سامانی، در مقاله‌ای به بررسی حقوق غیر مالی زن حامل در قرارداد جانشینی در بارداری پرداخته‌اند (یدالهی باغلوئی و دیگران، ۱۳۹۵). همچنین عارف بشیری، حسین آقایی جنت مکان و مژگان داودی، در مقاله‌ای، وضعیت حقوقی نفقه زن باردار در ازدواج موقت را با بر پایه نقد ماده ۱۱۱۳ قانون مدنی و آرای فقها بررسی کرده‌اند (بشیری و دیگران، ۱۴۰۱). سیدحسین آل طاهار، نادر مختاری افراکتی و سمیه نوری، نیز در مقاله‌ای وضعیت حقوقی نفقه زن باردار در زمان عده طلاق بائن را مورد بررسی قرار داده‌اند (آل طاهار و دیگران، ۱۳۹۸) اما نفقه زن باردار و جنین در پرتو احکام متغیر و ضمانت کیفری مورد توجه قرار نگرفته است.

سؤال مقاله حاضر بدین شکل قابل طرح است که نفقه زن باردار و جنین در پرتو احکام متغیر چگونه قابل تحلیل بوده و ضمانت کیفری ترک انفاق زن باردار و جنین چیست؟ فرضیه مقاله نیز بدین شکل قابل طرح است که «نفقه به زن باردار ناشزه تعلق نگرفته ولی به جنین تعلق می‌گیرد و در خصوص زن باردار مطلقه میان فقها اختلاف نظر است و ترک انفاق از سوی مرد، مجازات حبس به دنبال دارد». در خصوص ضمانت کیفری نفقه لازم به ذکر است که هر جامعه برای حفظ و حمایت این مهم قوانینی طبق عرف خود وضع کردند که این قوانین حمایت‌های کیفری را نیز در برمی‌گیرد و این تدابیر کیفری مشمول جرم ترک انفاق در خانواده، چگونگی و شرایط تحقق آن و شرط وجوب اتفاق افراد واجب النفقه با مدنظر قرار دادن اهمیت آن‌ها می‌شود. به منظور بررسی سؤال و فرضیه مورد اشاره ابتدا، نفقه زن باردار و جنین بررسی می‌شود و در ادامه از نفقه در پرتو احکام متغیر بحث شده و در نهایت به ضمانت کیفری ترک انفاق پرداخته شده است.

۱- نفقه زن باردار و جنین

از دیدگاه اسلام تأمین هزینه خانواده و مخارج شخص زن به عهده مرد است و زن هیچ‌گونه مسؤولیتی در قبال مخارج

زن باردار و جنین پرداخته می‌شود. لازم به ذکر است که به دلیل اتصال نفقه زن باردار و جنین، امکان بررسی جداگانه نفقه آنها نبوده و بنابراین در ضمن نفقه زن باردار، نفقه جنین نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱- نفقه زن باردار پس از انحلال نکاح

پس از انحلال نکاح زن حق دریافت نفقه ندارد اما با توجه به اصل ۱۱۰۹ قانون مدنی این اصل دارای استثنائاتی است. در اصل ۱۱۰۹ آمده است: «نفقه مطلقه رجعیه در زمان عده بر عهده شوهر است مگر اینکه طلاق در حال نشوز واقع شده باشد، لیکن اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق بائن باشد زن حق نفقه ندارد مگر در صورت حمل از شوهر خود که در این صورت تازمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت.» بر اساس این ماده: الف) نفقه مطلقه رجعیه در زمان عده بر عهده شوهر است. و در صورت وقوع طلاق رجعی در حال نشوز، زن مستحق نفقه نیست. ب) در صورتی که عده زن از جهت فسخ نکاح یا طلاق بائن باشد، زن غیر حامله استحقاق نفقه را نخواهد داشت. و در این دو مورد در صورتی که زن حامله باشد تا زمان وضع حمل حق نفقه دارد. با توجه به احکام فوق نفقه زن در سه مرحله قابل بررسی است:

۱-۱-۱- نفقه زن باردار و جنین در ایام عده رجعی

هنگامی که نفقه زنی که باردار نیست در عده طلاق رجعی بر مرد واجب است، به طریق اولی نفقه زن در صورتی که باردار باشد بر عهده مرد خواهد بود. خداوند نیز در ادامه آیه ۶ سوره طلاق بیان می‌کند که: «هرگاه زنان مطلقه باردار باشند نفقه آنان را بپردازید تا وضع حمل کنند.» در این قسمت منظور از عبارت «و این کن» زنان مطلقه است و «أولات حمل» بیان‌کننده شرط حامله بودن زن است. حتی برخی از این عبارت نتیجه گرفته‌اند که سبب نفقه در این شرایط، حمل است و عبارت «فأنفقوا علیه» یعنی به آنها تا هنگامی که وضع حمل کنند، نفقه بدهید (قاضی زاده و شاه جعفری، ۱۳۸۸: ۱۳۹).

در ایام عده رجعی زن در حکم زوجه است و به اجماع فقهاء بر شوهر واجب است که نفقه زن را چه حامله باشد و چه غیر حامله بپردازد. مستند این حکم روایات فراوانی از جمله روایت

زندگی ندارد. تأمین این هزینه نیز اختصاص به موردی ندارد که زن از تأمین آن عاجز باشد بلکه حتی اگر زن دارای ثروت کلانی هم باشد، الزامی ندارد که از اموال شخصی خویش مایحتاج خود را تأمین کند (محقق داماد، ۱۳۹۵: ۲۸۳). ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی بیان می‌کند: «در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است» و در عقد منقطع اصل بر عدم تکلیف پرداخت نفقه است مگر به صورت ضمن العقد نفقه پیش‌بینی شود.

شرایطی که با حصول آن زوج مکلف به پرداخت نفقه زوجه می‌شود عبارت‌اند از: ۱- زوجیت: ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی بیان می‌دارد: «همین که نکاح به طور صحت واقع شد، روابط زوجیت بین طرفین، موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار می‌شود.» از لحن این ماده که حقوق و تکالیف زوجین را به محض وقوع عقد برقرار می‌داند، چنین برمی‌آید که در وجوب انفاق تحقق عقد کافی است و تمکین شرط استحقاق نفقه نمی‌باشد. ۲- تمکین: تمکین دارای معنای خاص و عام می‌باشد. تمکین خاص آن است که زن نزدیکی جنسی با شوهر را به طور متعارف بپذیرد و جز در مواردی که مانع موجهی (عادت ماهیانه، حرام یا اعتکاف واجب...) داشته باشد از برقراری رابطه جنسی با او سر باز نزند. تمکین عام آن است که زن وظایف خود را نسبت به شوهر انجام دهد و از او در حدود قانون و عرف اطاعت کند و ریاست شوهر را در خانواده بپذیرد (امامی و صفایی، ۱۳۷۸: ۱۳۱). عدم تمکین در اصطلاح حقوقی نشوز و زنی که از شوهر اطاعت نمی‌کند ناشزه نامیده می‌شود.

پس از روشن شدن این شرایط در پاسخ سؤال باید گفت: قول مشهور در میان فقهای امامیه آن است که نفقه به سبب عقد دائم و به شرط تمکین کامل زن بر مرد واجب می‌شود (محقق حلی، ۱۳۶۳: ۲۴۸). نویسندگان حقوق مدنی به تبعیت قول مشهور تمکین را شرط استحقاق نفقه می‌دانند (محقق داماد، ۱۳۹۵: ۲۹۶). این گروه علاوه بر استناد به اجماع و قول مشهور معتقدند مطلق عقد در وجوب نفقه کافی نیست، چون نفقه ناشزه بالا جماع ساقط است لذا اقتضای عقد، وجوب نفقه را مشروط به تمکین می‌سازد و قبل از آن به جهت اصالت براءت ذمه نفقه واجب نیست. در این مبحث به بررسی نفقه

وجود ندارد، اما اختلاف در این است، که این نفقه برای حمل است یا مادر؟ در این رابطه دو قول وجود دارد:

مطابق قول اول که نظر مشهور فقها است، نفقه برای مادر است نه جنین. دلایل این دیدگاه عبارت است از: ۱- اگر این نفقه برای حمل بود، در صورت فقدان پدر بر جد پدری واجب؛ چراکه نفقه حمل، جزء نفقه اقارب است، حال آنکه نفقه در اینجا اجماع بر جد واجب نیست. ۲- اگر نفقه برای حمل بود، در صورتی که حمل توانایی مالی داشته باشد، از گردن پدر ساقط می‌گردید، حال آنکه نفقه در اینجا با موسر بودن ولد و حمل ساقط نمی‌شود. ۳- اگر نفقه برای حمل باشد، نفقه مادر واجب نمی‌شود حال آنکه اخبار وارده تصریح دارد بر ادا نفقه زن. ۴- نفقه در اینجا مقدر به حال زوج است در حالی که نفقه اقربا و خویشان غیر مقدر است (بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۱۲/۲۵).

بر اساس قول دوم، نفقه برای جنین است. دلایل این گروه عبارت است از: ۱- به دلیل دوران امر بین وجوب و عدم، یعنی زمانی که نفقه باوجود حمل ثابت و با عدمش ساقط می‌شود، معلوم می‌شود که نفقه برای حمل است. مثل زوجیت که علت انفاق است، یعنی تا مادامی که زوجه متصف به صفت زوجیت است، نفقه او واجب است و با زایل شدن صفت زوجیت، حق برخورداری از نفقه هم از بین می‌رود. ۲- همان‌طور که در صورت انفصال حمل نفقه برای او است، در صورت اتصال و حمل بودن هم نفقه برای او است. ۳- روایاتی که از صحابه روایت نقل شده که بر زن باردار از مال حمل انفاق می‌شود، بر وجود نفقه برای حمل دلالت دارند نه حامل (بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۱۱/۲۵-۱۱۲).

هر یک از دیدگاه‌های فوق نتایج متفاوتی به دنبال دارد. چنانچه زن باردار در حال نشوز طلاق داده شود یا پس از طلاق ناشزه گردد، اگر نفقه برای زن باشد، پرداخت آن واجب نیست، اما در صورتی که برای حمل باشد، پرداخت آن واجب است. همین حکم در مورد زن ناشزه در ایام زوجیت نیز جاری است. ضمان نفقه گذشته زن باردار در صورتی صحیح است که نفقه برای مادر باشد؛ چراکه حمل مستحق نفقه آینده است. همچنین ابراء ذمه از نفقه گذشته تنها در صورتی که نفقه برای حامل باشد صحیح است (سبزواری، ۱۴۲۵: ۲۹۶/۲۵).

زراره از امام باقر (ع) است: «همانا زن سه طلاقه نفقه او بر عهده زوج نیست، نفقه زنی که با طلاق رجعی مطلقه شده است به عهده زوج است» (حر عاملی، ۱۳۷۶: ۸/ح ۱). حال اگر زن در حال نشوز طلاق داده شود همان‌طور که در ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی توضیح داده شده است از آنجایی که زن ناشزه استحقاق دریافت نفقه را به لحاظ عدم تمکین ندارد بدیهی است که در ایام عده نیز نفقه دریافت نکند اگرچه که در دوران عده در حکم زوجه تلقی می‌گردد.

۱-۱-۲- نفقه زن باردار و جنین در طلاق بائن

زن مطلقه‌ای که در عده طلاق بائن به سر می‌برد در صورت باردار بودن به اجماع فقهای امامیه تا زمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۲۰/۵؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۷۳۸/۲). دلیل فقها علاوه بر آیه ۶ سوره طلاق، روایات باب طلاق رجعی است که با عموم خود شامل مطلقه بائن باردار هم می‌شوند. به علاوه روایت زراره از امام صادق (ع) که فرمودند: «زنی که سه طلاقه شده است، در صورتی که باردار نباشد، نفقه و سکناى او بر مرد واجب نیست». همچنین فقها معتقدند «در صورتی که زن مطلقه بائنه مدعی شود که باردار است، قول او بدون مطالبه دلیل مسموع است و باید به او نفقه داده شود و اگر معلوم شود که حامله نبوده است، برخی از فقها گفته‌اند آنچه را که به عنوان نفقه بعد از انقضای عده در مطلقه رجعیه باردار و یا بعد از وقوع طلاق در مطلقه بائنه، پرداخت کرده است، پس می‌گیرد» (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۵۸/۳۱). حقوقدانان نیز با استناد به مواد ۳۰۱ و ۳۰۲ و ۳۰۸ قانون مدنی قائل به استرداد نفقه فقط در صورتی که ادعای باردار بودن از طرف مطلقه بائنه مطرح شده باشد، هستند. همچنین بنا بر ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی که به صراحت بیان می‌کند: «... اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق بائن باشد، زن حق نفقه ندارد، مگر در صورت حمل از شوهر خود که در این صورت تا زمان وضع حمل نفقه خواهد داشت». زنی که انحلال نکاح او به واسطه فسخ بوده در صورتی که حامله باشد، تا زمان وضع حمل مستحق نفقه بوده و این مسأله نیز مورد اتفاق فقها است (بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۰۸/۲۵).

لذا در این مسأله که مطلقه بائن و زنی که نکاح او فسخ شده در صورت باردار بودن مستحق سکنی و نفقه بوده اختلافی

(حر عاملی ۱۳۷۶: ۱۰/ح ۱) بیان داشته‌اند که در ایام حمل به زوجه نفقه تعلق گرفته و باید از سهم جنین پرداخت شود (محقق داماد، ۱۳۶۵: ۳۵۳).

البته کسانی که قائل به عدم پرداخت نفقه در عده وفات برای زن باردار هستند بر این دسته از روایات ایراد کرده‌اند که این روایت سند صحیحی ندارد. و ثانیاً ثبوت نفقه بر عهده حمل متوقف بر این است که حمل زنده متولد شود و در صورتی که حمل مرده متولد شود، انفاق از مال او تحقق نمی‌یابد. همچنین برای حمل قبل از زنده متولد شدن نمی‌توان قائل به تملک شد (اراکي، ۱۴۱۳: ۲۷۷). اگر حمل زنده متولد نشود در نتیجه نصیبی ندارد. در این صورت از جمیع مال ورثه نفقه محاسبه می‌گردد (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۲۷/۳۱).

بر اساس آنچه گفته شد می‌توان گفت که زوجه اعم از باردار یا غیر باردار مستحق نفقه از زوج متوفی نیست و آنچه که در فقه مورد اختلاف بوده، این است که آیا زن باردار مستحق نفقه از حصه حمل است یا خیر؟ به نظر می‌رسد که باید از گروهی از فقها پیروی کرد که معتقدند زن مستحق نفقه است؛ زیرا روایات دسته دوم که بیان شد و دارای سند معتبر نیز هستند، بیانگر این مطلب‌اند.

اما گروهی از حقوقدانان به این موضوع اعتراض کرده‌اند و آن را موردنقد قرار داده‌اند که این زن علاوه بر مشکلات مالی، باید با مسائل روحی و فقدان همسرش نیز کنار بیاید و این خلاف انصاف و عدالت است که او را رها کنیم، خصوصاً اگر باردار باشد؛ چراکه وقتی زن مطلقه باینه را می‌توان بر اساس باردار بودن و باردار نبودن تفکیک کرد و برای آن در صورت باردار بودن نفقه در نظر گرفت، زن بارداری که در عده وفات به سر می‌برد به طریق اولی استحقاق نفقه خواهد باشد. لذا بعضی استادان حقوق گفته‌اند «ماده ۱۱۱۰ ناظر به زن غیر باردار است و زن بارداری که در عده وفات است تا زمان وضع حمل، استحقاق نفقه از ترکه شوهر را دارد؛ چون علتی که در مطلقه باین حامل برای وجوب نفقه وجود داشت، با این که رابطه زوجیت بین او و شوهرش وجود نداشت، همان علت نیز در زنی که همسرش را از دست داده وجود دارد» (امامی، ۱۳۷۶: ۴۴۱/۴). و از

اگر زوج در ایام عده‌ای که زن حامله است مفسر و تنگدست شود در صورتی مدیون زوجه است که نفقه برای حامل باشد (ارشادی، ۱۳۷۹: ۱۱۰-۱۰۷). به خاطر این که تمکن و عدم تمکن زوج هیچ تأثیری در حق زن ندارد. اما اگر نفقه برای حمل باشد، اعصار زوج سبب سقوط تکلیف او در پرداخت نفقه می‌شود؛ زیرا تمکن و ثروتمند بودن منق شرط پرداخت نفقه اقربا است.

۱-۳- نفقه زن باردار و جنین در صورت فوت همسر و در دوران عده وفات

اکثر فقها به استناد به روایاتی، زن حامل را در عده وفات مستحق نفقه نمی‌دانند نه از اموال باقی‌مانده شوهر (ترکه) نه از سهم الارث فرزند. از جمله این روایات، روایتی از ابی‌الصباح کنانی از امام صادق (ع) که در مورد زن بارداری که شوهرش فوت شده «سؤال شد که آیا نفقه به او تعلق می‌گیرد؟ حضرت فرمودند: خیر» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۱۵/۶؛ طوسی، ۱۳۹۰: ۳۴۵/۳). یا روایتی از حلبی از امام صادق (ع) که حضرت فرمودند: «زن بارداری که شوهر او فوت شده، نفقه‌ای برای او نیست». (طوسی، ۱۳۹۰: ۳۴۵/۳؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۵۱/۸).

این روایت که معنی یکسانی دارند، بر این امر دلالت دارند که زن حامله‌ای که در عده وفات به سر می‌برد مستحق نفقه از شوهر فوت شده نیست؛ زیرا نمی‌توان برای شوهر فوت شده تکلیفی قائل شد. بر همین اساس، بعضی فقها با توجه به روایت مورد اشاره به عدم وجوب نفقه بر زن باردار در عده وفات حکم داده‌اند (علامه حلی، ۱۴۲۱: ۲۰۷؛ بحرانی، ۱۴۱۰: ۸۲/۱۰). این فقهیان روایات مذکور را دال بر عدم ثبوت نفقه به‌طور مطلق اعم از مال شوهر و مال حمل می‌دانند.

برخی معتقدند که نفقه زن باردار از سهم الارث (جنین) پرداخت می‌شود. بر اساس این دیدگاه، از ابی‌الصباح کنانی از امام صادق (ع) نقل شده که حضرت درباره زن بارداری که شوهرش فوت شده فرمودند: «نفقه او از مال فرزندش که در شکمش است پرداخت می‌شود» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۱۵/۶). طبق این روایت زن بارداری که در عده وفات است مستحق نفقه است. اما این نفقه از سهم الارث فرزندش پرداخت می‌شود نه از مال شوهر. برخی فقها با استناد به روایت ابی‌الصباح کنانی

باب وحدت ملاک و علت (در حامله بودن) و قیاس مستنبط‌العله، این زن نیز مستحق نفقه است.

ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی اصلاحی ۱۳۸۱ در این باب بیان می‌دارد: «در ایام عده وفات مخارج زندگی زوجه عندالمطالبه از اموال اقاربی که پرداخت نفقه بر عهده آنان است (در صورت عدم پرداخت) تأمین می‌گردد.» متن ماده (مصوب ۱۳۱۳) قبل از اصلاحیه به این صورت بود: «در عده وفات زن حق نفقه ندارد.» همان‌طوری که در متن ماده قبل از اصلاح اخیر، ملاحظه شد زن در ایام عده استحقاق نفقه را نداشت اما فعلاً به موجب قانون زن در ایام عده وفات مخارج زندگی را به صورت مشروط می‌تواند دریافت نماید.

انفاق اقارب مشروط بر این است که شخص ندار بوده و نتواند به وسیله اشتغال به شغلی، وسیله معیشت خود را فراهم سازد (ماده ۱۱۹۷ ق.م). بنابراین اگر شخصی فوت نماید و مالی از او نمانده باشد، اقاربی که در قانون تعیین شده‌اند باید مخارج زندگی زوجه را بپردازند و عندالمطالبه بودن یعنی این که به محض درخواست باید پرداخت گردد مانند مهریه زن که معمولاً به صورت عندالمطالبه پیش‌بینی می‌گردد.

روح ماده اصلاحی اخیر، مبین پرداخت مخارج زوجه در ایام عده و تأمین آن است که برخلاف قانون قبلی (و رأی مشهور فقهاء) به درخواست زن باید پرداخت شود. زن حامل نیز در عده وفات به موجب اصلاحیه اخیر حق مخارج زندگی را دارد.

نفقه‌ای که شوهر در زمان حمل به زن می‌دهد برای تأمین گذران زن و جبران زحمتی است که متحمل می‌شود و نباید آن را به دستمزد و یا انفاق به کودک تعبیر نمود و به همین دلیل بر نفقه اقارب مقدم است و الزام به آن مشروط به توانایی مالی پدر یا نداری جنین نیست (کاتوزیان ۱۳۷۵: ۱۱۴/۱). البته بنا بر آنچه که در بالا بیان شد این نظریه قابل قبول نیست زیرا صرفاً به موجب وجود حمل، زن استحقاق نفقه را دارد ولاغیر.

در موردی که حاکم، زن غایب مفقودالاثر را پیش از صدور حکم موت فرضی، طلاق دهد (ناظر به ماده ۱۰۲۹) با این که

زن در حال عده وفات است مطلقه رجعیه محسوب شده و استحقاق دریافت نفقه را دارد.

خلاصه این که پس از فوت هر انسان کلیه تکالیف از او ساقط است مگر پرداخت دیونی که بر عهده متوفی است. حال اگر همسر حامل متوفی متمکن است مخارج خود را تأمین می‌کند و در صورتی که معسر است، نفقه او بر اولاد است و اگر حمل دارای سهم‌الارثی از ماترک پدر خود باشد نمی‌توان گفت که باید خرج مادر خود بکند زیرا تکلیف انفاق از باب قرابت، به مکلف تعلق می‌گیرد لذا باید مخارج حامل را سایر خویشان متمکن او بپردازند و اگر خویشان متمکنی نداشت و حمل نیز دارای داشت می‌توان بنا بر ضرورت به مادر اجازه داد که از دارایی حمل برداشته و نفقه خود و حمل را تأمین کند.

۲- تأثیر احکام متغیر بر نفقه در فقه و حقوق

حکم در حقیقت همان فرمان‌هایی هستند به جهت حفظ و پایداری جامعه صادر می‌شود. احکام از یک جهت به احکام ثابت و متغیر تقسیم‌بندی می‌شوند: احکامی که از آن به عنوان احکام ثابت یاد می‌شود شامل اموری هستند که از مصالح حیات انسانی محافظت می‌کنند و به نیازهای اساسی و بنیادی انسان در زندگی توجه دارند از جمله عبودیت که شامل بعد معنوی انسان و تأمین نیازهای معیشتی که شامل بعد مادی انسان می‌شود. در این موارد دگرگونی و تفاوتی وجود ندارد زیرا همه انسان‌ها فارغ از نژاد و بعد مکانی و زمانی دارای اشتراک هستند و از این جهت دارای ثبات می‌باشند. احکام غیرثابت (متغیر) نیز قوانینی هستند که به تناسب تغییرات اجتماعی برگرفته از شرایط زمانی و مکانی متفاوت که به تبع آن ایجاد و تغییر در نیازهای بشری رخ می‌دهد قرار داده شده‌اند تا پاسخگوی احتیاجات انسان‌ها باشند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴: ۱۵/۱۷۸). و یا به بیانی دیگر می‌توان گفت منظور از احکام ثابت آن نوع احکامی است که منحصرأ از جانب خداوند حکیم با علم و احاطه بر نیازها و مصالح و مفاسد فرد و جامعه مقرر شده است (صدر، ۱۴۰۵: ۱۲/۲). و احکام متغیر آن دسته از احکام هستند که در اثر شرایط و ضرورت‌های ویژه هر جامعه و برای تأمین نیازهای متغیر در چارچوب احکام الهی توسط فقیه و حاکم اسلامی وضع

در این حقوق مالی اختلافاتی به نسبت جنسیت، زن یا مرد بودن وجود دارد. هر یک از این حقوق مالی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف دستخوش تغییراتی شده است. زیرا این احکام که در شاخه احکام امضایی هستند متأثر از سبک زندگی و مقتضیات زمانی و مکانی، متفاوت می‌باشند. اختلافاتی که در فتاوی فقها دیده می‌شود نشان از این تأثیرپذیری است.

نقشه یعنی تأمین مایحتاج زن در زندگی که به عهده زوج هست که شامل مواردی است ازجمله خوراک، پوشاک، مسکن و ... که فقها به آن اشاره کرده‌اند. بر زوج واجب است برای آنچه که زن واجب النفقه اش به آن نیاز دارد بنا بر عادت امثال آن زن در همان شهری که در آنجا زندگی می‌کند اقدام کند؛ از قبیل غذا، روغن، لباس، مسکن، خادم، وسایل تنظیف مثل شانه، کرم و صابون به‌غیراز سرمه و عطر و حمام مگر آنکه به آن احتیاج داشته باشد. مثلاً به دلیل سرما و غیر آن (حکیم، ۱۴۱۰: ۳۰۳/۲). موارد نفقه در بیان فقها به شکل‌های گوناگونی بیان‌شده است. یکی از فقها می‌گوید نفقه شامل: غذا، لباس، مسکن، خادم و وسایل آشپزی می‌باشد که به طور متعارف و با توجه به وضعیت زوجه در آن شهر متناسب باشد (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۱/۳۳۰). در کلام فقیه دیگر مصادیق نفقه به این شکل آمده است: آنچه زن به آن نیازمند است و در شأن چنین زنی در آن شهر است (علامه حلی، ۱۴۲۰: ۴۷/۲). با توجه به موارد گفته‌شده و تفاوت در مصادیق ذکرشده توسط فقها نفقه یک مفهوم عرفی است که با توجه به مقتضیات زمان و مکان می‌تواند دارای تضييع یا توسعه در مصداق باشد. واگذاری مصادیق نفقه به عرف از نظر فقها طبق عبارت «و عاشروهن بالمعروف» در آیه ۱۹ سوره نساء بیان‌شده است. ملاک تعیین مقدار نفقه در کلام فقها به صورت‌های گوناگونی بیان‌شده است که به‌طورکلی طبق قول مشهور تعیین مقدار نفقه با توجه به وضعیت زوجه صورت می‌گیرد (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۱/۳۳۰). یکی از فقها می‌نویسد نفقه از نظر شرعی مقدار معینی ندارد بلکه ضابطه برآوردن نیازهای زن است و عرف زنان مانند او در آن سرزمین باید رعایت شود (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۲/۳۱۶). یکی از موارد مهمی که می‌تواند از مصادیق نفقه محسوب

می‌گردد. امت همان‌طور که از احکام الهی اطاعت می‌کنند باید از مقررات و فرامین فقیه حاکم نیز پیروی نمایند (عمید زنجانی، ۱۴۲۱: ۲۶/۲-۲۴).

تغییر و تحول در شرایط زندگی و مناسبات اجتماعی می‌تواند عاملی در تغییر حکم باشد زیرا احکام به مصالح و مفاسد افعال نسبت داده می‌شوند و ممکن است که حکمی خاص در زمان و مکانی برای افرادی در زمان و مکان دیگر به‌گونه‌ای دیگر باشد. چنانکه در این باره در روایات نیز به مواردی دست پیدا می‌کنیم ازجمله روایتی که از امام صادق علیه‌السلام در پاسخ به یکی از افراد که به ایشان درباره نحوه لباس پوشیدن حضرت اشکال کرده بودند نقل‌شده است. حضرت در پاسخ می‌فرمایند: به تو می‌گویم که در زمان رسول خدا صلی‌الله علیه و آله مردم در تنگی معیشت بودند و شیوه زندگی به‌گونه‌ای ساده بود اما در امروز مردم به نحوی در رفاه معیشت هستند پس لباس‌های نیکو برای مؤمنان شایسته است نه برای کافران. و یا در روایت دیگری که حضرت به بیان حکمت جواز فروش ادوات جنگی به شامیان در زمان صلح و آرامش اشاره می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۴۱۳: ۲۸۹/۱).

زنان در عصر جاهلیت پیش از اسلام شأن و منزلتی نداشتند و به خلاف مردان از حق و حقوقی نیز برخوردار نبودند. پس از ظهور اسلام و طبق آیات الهی که نازل شد زنان از حقوقی برخوردار شدند و این بیان پروردگار متعال نشان از جایگاه یکسان زن در خلقت همانند مرد بود. بسیاری از قوانین و حقوقی که در جامعه عصر پیامبر وجود داشت بنا بر مصلحت وجودی که در آن‌ها نهفته بود؛ شارع مقدس این قراردادهای عرفی را امضاء و تأیید نمود و برای آن‌ها حدودی معین کرد. ازجمله این موارد حقوق مالی زن و مرد می‌باشد که خداوند آن‌ها را تأیید کرد و علاوه بر آن در آیات خود به‌صورت جداگانه برای زنان سهمی همانند مردان برشمرد. ازجمله حقوقی که برای زنان در نظر گرفته شد؛ قصاص، دیه، سهم ارث، مهریه، نفقه و حق مالکیت در حاصل دسترنج و اموال و حق تصرف در آن‌ها بود.

شود مسأله هزینه درمان می‌باشد. یکی از فقها در این باره می‌نویسد: «در امراض عادی هزینه مداوا جزء نفقه است» اما در امراض صعب‌العلاج که مستلزم هزینه‌های سنگین است تردید نموده‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۳۱۷/۲).

مصادیق نفقه در کلام فقها با موارد متعددی بیان شده است در برخی سه، شش، و در نهایت هشت مورد ذکر شده است (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲۹۳/۲؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۳۳۱/۳۱). و موارد اختلاف به سبب تعیین نفقه با توجه به عرف زمان و مکان است، به همین دلیل در کلام فقها مصادیق مختلف دیده می‌شود. مصادیق و انواع نفقه با توجه به مواردی که در بیان فقها آمده است شامل خوراک، خورش، لباس، فراش، مسکن، وسایل تنظیف و خدمتکار می‌باشد. یکی از فقها درباره ضابطه در مقدار نفقه می‌نویسد دلیل بر عدم مقدار برای نفقه این عبارت خداوند «و عاشروهن بالمعروف» است. یعنی آنچه که متعارف بین مردم می‌باشد (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۶۵۵/۲). رویه قضایی نیز این را پذیرفته و دیوان عالی کشور در رأی شماره ۲۳/۲۹۲ این نظر را تأیید کرده است (کمانگر، ۱۳۹۵: ۱۷۸).

با توجه به کلام فقها و متن آیه این مطلب به دست می‌آید که میزان نفقه با عرف و وضعیت زوجه تعیین می‌شود و متغیر زمان و مکان بر آن تأثیرگذار است. با توجه به مواردی که بیان شد به نظر می‌رسد موارد نفقه و مایحتاج زن با توجه به اطلاق آیه و واگذار کردن مصادیق آن به عرف است و مواردی که در روایات بیان شده‌اند که مستند نظرات فقها قرار گرفته است نمی‌تواند به صورت انحصاری در مصادیق بیان شده باشد.

قانون مدنی پس از اصلاح آبان ۱۳۸۱ در ماده ۱۱۰۷ نیز نفقه را شامل مسکن، البسه، غذا و اثاث‌البیت می‌شمرد و نهایتاً وجود خدمتکار را در صورت عادت یا حاجت زن نیز از عناصر نفقه می‌دانست. در بازنگری مصوب ۱۳۸۱ ماده ۱۱۰۷ نفقه چنین تعریف شده است: «نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض». با توجه به کلمه «از قبیل»

می‌توان گفت این موارد از مصادیق تمثیلی نفقه است. تأمین هزینه‌های جنین مطابق با عرف جامعه و شرایط اجتماعی زن باردار بر عهده شوهر است. هزینه‌های زایمان و درمان از مصادیق این هزینه‌ها است. تردید نیست که مخارج زایمان از نظر عرف جزء نفقه محسوب می‌شود. مخارج وضع حمل بی‌هیچ تردید از تبعیات حمل و بر عهده زوج است و این الزام در این مورد بخصوص منوط به تمکین نیست زیرا وجوب نفقه از بابت حمل است چنانکه در طلاق خلع که اصولاً به لحاظ عدم تمکین واقع می‌شود و یا در عده وفات که تمکین در آن مطرح نمی‌باشد، نفقه واجب نیست لیکن در صورت حامل بودن زن نفقه باید تا وضع حمل پرداخت شود. این معنی نیز بوضوح از ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی مستفاد می‌شود. تعیین میزان هزینه‌های وضع حمل نیز تابع عرف و شرایط اجتماعی و وضعیت زندگی زن باردار است. میزان نفقه در صورت اختلاف، با نظر قاضی می‌باشد که با محاسبه هزینه‌های جاری و شرایط زن باردار تعیین می‌شود.

با بررسی دلایل مطرح شده در باب وجوب نفقه زوجه این گونه به دست می‌آید که تأمین نیازهای زن بر مرد واجب است و مسائل آن هم با توجه به زمان‌ها و مکان‌های مختلف، متفاوت می‌باشد و هر فقیه مصادیق مربوط به عصر خود را بیان فرموده است. و موارد بیان شده جنبه انحصاری ندارند. بنا بر آنچه که ذکر شد، معیار و ملاک شرعی این مسأله همانا تحت عنوان معاشرت به معروف قرار می‌گیرد و شامل برآوردن همه نیازهای ضروری زن بر طبق عرف و عادت جامعه‌ای است که زن در آن زندگی می‌کند. سبک زندگی در عصر حاضر اقتضا دارد که موارد نفقه به مواردی تسری یابد که اکنون جزئی از ضروریات زندگی زنان می‌باشد مانند هزینه تحصیل که در عرف جامعه به عنوان امری عادی و بدیهی برای هر فرد تلقی می‌شود و عدم پرداختن به این مقوله عملی نامتعارف به نظر می‌رسد.

۳- ضمانت اجرای کیفری ترک انفاق

تأمین نیازهای مادی زن و جنین، از اهمیت وافری برخوردار بوده و در دین اسلام، بدان، تأکید فراوان، شده است. بر اساس مقررات قانونی نیز پرداخت نفقه زن و جنین، به عهده

قانونی باشد، می‌تواند جرم تلقی بشود. عدم پرداخت نفقه به فرزند، نوعی ترک فعل محسوب می‌شود، که در قانون مجازات اسلامی، نیز برای آن، مجازات تعیین شده است. البته «تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت وی از شکایت در هر زمان تعقیب جزایی یا اجرای مجازات موقوف می‌شود» (مهرپور و روشن، ۱۳۹۱: ۲۲۷). که در خصوص ضمانت کیفری نفقه جنین، مادر می‌تواند اقدام قضایی نماید. در بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، عدم پرداخت نفقه فرزند، به‌عنوان کسی که پرداخت نفقه به او واجب است، برای پدر، الزامی تعیین شده و عدم انجام آن، جرم‌انگاری شده است. به‌موجب ماده ۶۴۲ قانون تعزیرات، هرکس با داشتن استطاعت مالی، از پرداخت نفقه فرزند خود امتناع ورزد، دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می‌کند.

نتیجه‌گیری

نقشه زن باردار و جنین بر عهده شوهر است. در صورت عدم تمکین زن باردار، نفقه به وی تعلق نمی‌گیرد. اما نفقه جنین همچنان بر عهده شوهر است. در مورد نفقه زنان باردار در ایام عده طلاق و وفات این نتیجه حاصل گردید که زن مطلقه‌ای که در عده طلاق رجعی و بائن به سر می‌برد در صورت باردار بودن به اجماع فقهای امامیه و طبق قوانین موضوعه تا زمان وضع حمل حق نفقه و سکونت خواهد داشت. اما در مورد این‌که نفقه به‌ویژه در عده طلاق بائن برای مادر است یا حمل دو دیدگاه وجود دارد که طبق قول مشهور فقها و مفهومی که از ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی استنباط می‌شود، نفقه حق مادر است نه فرزند، هرچند باعث پیدایش این حق، وجود فرزند است. در مورد نفقه زن باردار در عده وفات با توجه به این‌که چند دسته روایات در این زمینه وجود دارد، برخی از فقها قائل به این هستند که زن حامله‌ای که در عده وفات به سر می‌برد، مستحق نفقه از شوهرش نیست؛ چراکه متوفی تکلیفی ندارد. در مقابل گروه دیگری از فقها معتقدند که زن باردار در ایام عده وفات مستحق نفقه است. اما این نفقه از مال شوهر پرداخت نمی‌گردد بلکه از سهم‌الارث فرزندش به او داده می‌شود. به نظر برخی حقوقدانان نیز زن بارداری که در عده وفات به سر می‌برد تا

شوهر قرار گرفته و عدم پرداخت آن، برخی آثار حقوقی از جمله حق طلاق برای زن را به همراه خواهد داشت. نکته مهمی که باید به آن توجه شود این است که نپرداختن نفقه نه تنها به صورت یک دعوی حقوقی و از طریق دادگاه‌های خانواده قابل رسیدگی است، بلکه از نقطه نظر جزایی نیز جرم محسوب می‌شود و می‌توان از طریق طرح شکایت به مراکز انتظامی و کلانتری‌ها و مراجعه به دادگاه‌های جزایی تقاضای رسیدگی نمود (گلدوزیان، ۱۳۸۲: ۷۴). مطابق ماده ۵۳ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱: «هر فرد که با داشتن استطاعت مالی، نفقه همسر را در صورت تمکین او نپردازد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النقشه امتناع کند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود».

بر اساس این ماده، جرم ترک انفاق، در صورتی، تحقق می‌یابد که: اولاً، مرد استطاعت مالی کافی، برای پرداخت نفقه زوجه خود را داشته باشد و با این وجود، از پرداخت نفقه خودداری کند. بنابراین، در صورتی که مرد توانایی مالی برای پرداخت نفقه زن خود نداشته باشد، به جرم ترک انفاق، قابل مجازات نبوده و زن، تنها می‌تواند به شیوه حقوقی، اقدام به مطالبه نفقه خود نموده و در صورت عدم پرداخت، از همسر خود، طلاق بگیرد. ثانیاً، زن باید از همسر خود تمکین نموده باشد. لذا در صورتی که زن از شوهر خود تمکین نکرده باشد و مرتکب عدم تمکین شده باشد، استحقاق دریافت نفقه را نداشته و جرم ترک انفاق، محقق نمی‌گردد.

به دلیل اینکه مسئولیت مالی خانواده در درجه اول بر عهده پدر خانواده است، او موظف است نفقه جنین را نیز تأمین نماید. به‌موجب ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی، پرداخت نفقه فرزند، بر عهده پدر است. به لحاظ حقوقی، الزام مرد به پرداخت نفقه فرزندان، در قانون مدنی مطرح شده است و در صورت فوت او یا عدم توانایی مالی، پرداخت به اجداد پدری، مادر، اجداد مادری واگذار می‌شود. اما اگر پدر باوجود استطاعت مالی، از پرداخت نفقه ممانعت ورزد، مجازاتی برای او در قانون در نظر گرفته شده است. بر اساس تعریفی که در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی، از جرم ارائه شده است: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود». بنابراین، ترک فعلی، که دارای عنصر

- ارشدی، علی یار (۱۳۷۹). نفقه زوجه در حقوق ایران، انگلیس و هند، چاپ اول، تهران: انتشارات عدالت آرا.

- الحرالعالمی، شیخ محمد بن حسن (۱۳۷۶). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. تهران: انتشارات اسلامیة تهران.

- امامی، سید حسن (۱۳۷۶). حقوق مدنی. جلد چهارم، تهران: انتشارات اسلامیة.

- آل طاهاه، سیدحسین؛ مختاری افراکتی، نادر؛ نوری، سمیه (۱۳۹۸). «وضعیت حقوقی نفقه زن باردار در زمان عده طلاق باین». مجله پژوهش‌های فقهی، ۱۵(۱): ۱۱۵-۱۳۹.

- بحرانی، یوسف (۱۴۰۵). الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة. جلد پنجم و بیست و پنجم، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

- بشیری، عارف؛ آقایی جنت مکان، حسین و داودی، مژگان (۱۴۰۱). «وضعیت حقوقی نفقه زن باردار در ازدواج موقت (نقدی بر ماده ۱۱۱۳ قانون مدنی و آرای فقها)». مجله پژوهش‌های فقهی، ۱۸(۱): ۲۴۵-۲۷۰.

- حکیم، سید محسن (۱۴۱۰). منهاج الطالبین. جلد دوم، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.

- صدر، سید محمدباقر (۱۴۰۵). اقتصادنا. جلد دوم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

- صفایی، حسین و امامی، اسدالله (۱۳۷۸). مختصر حقوق خانواده. چاپ ششم، تهران: نشر دادگستر.

- طوسی، محمد (۱۳۹۰). الاستبصار فیما اختلف من الأخبار. جلد سوم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

- طوسی، محمد، (۱۴۰۷). تهذیب الاحکام. جلد هشتم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۲۱). المرام فی معرفة الأحکام. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

زمان وضع حمل، استحقاق نفقه از ترکه شوهر را خواهد داشت؛ زیرا علتی که در مطلقه باین حامل باوجود انقطاع رابطه زوجیت، برای وجوب نفقه وجود داشت، همان علت نیز در زنی که همسرش فوت کرده وجود دارد و از باب وحدت ملاک و علت می‌توان قائل به این شد که این زن نیز مستحق نفقه از اموال شوهر است. در خصوص ضمانت کیفری باید گفت که از آنجاکه نپرداختن نفقه در قانون ایران جرم است مرد در صورتی که نفقه زن و جنین را پرداخت نکند، زن می‌تواند با مراجعه به دادسرای عمومی، تعقیب جزایی مرد را بخواهد. در صورتی که زن، تمکین نموده و مرد نیز با وجود استطاعت مالی، نفقه زن خود ندهد، مرتکب جرم ترک نفقه، شده است و به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. حبس تعزیری درجه شش، بیش از شش ماه تا دو سال می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی: در پژوهش انجام شده، حفظ اصالت متون و امانت‌داری در نقل گفتار، به‌عنوان مهم‌ترین بایسته‌های اخلاقی، مورد نظر نویسندگان بوده است.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: در این پژوهش، نویسنده نخست به‌عنوان نویسنده اصلی متن و سایر نویسندگان به‌عنوان ناظر علمی عمل کرده‌اند.

تشکر و قدردانی: از همه بزرگوارانی که در نگارش این مقاله، راهنمایی داشتند، نهایت قدردانی و تشکر را دارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. جلد دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- اراکی، محمدعلی (۱۴۱۳). رساله فی نفقه الزوجه. قم: مؤسسه در راه حق.

- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۲۰).
تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیه. جلد دوم، مشهد:
موسسه آل البیت علیهم السلام.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۴۲۱). فقه سیاسی. جلد دوم،
تهران: انتشارات امیرکبیر.
- قاضی زاده، کاظم و شاه جعفری، حورا (۱۳۸۸). «مبنا و
ماهیت فقهی و حقوقی نقشه زوجه در قرآن». فصلنامه علمی
و ترویجی بانوان شیعه، ۶(۲۰): ۱۱۹-۱۴۸.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۵). حقوق مدنی خانواده. جلد اول،
تهران: انتشارات بهمن برنا.
- کلینی، محمد (۱۴۲۹). الکافی (ط - دار الحدیث). جلد
ششم، قم: دار الحدیث للطباعة و النشر.
- کمانگر، احمد (۱۳۹۵). اصول قضایی حقوقی. چاپ اول،
تهران: انتشارات میزان.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۲). حقوق جزای عمومی ایران. جلد
دوم، چاپ سوم، تهران: انتشارات تهران.
- محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸). شرائع
الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. جلد دوم، قم: مؤسسه،
اسماعیلیان.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۶۵). تحلیل فقهی حقوق
خانواده. چاپ چهارم، تهران: نشر علوم اسلامی.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۹۵). بررسی فقهی و حقوقی
خانواده نکاح و انحلال آن. چاپ هفتم، تهران: انتشارات
وزارت فرهنگ.
- محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن (۱۴۲۳). کفایة
الأحكام. جلد بیست و پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۳). کتاب نکاح. جلد اول، قم:
انتشارات مدرسه امام علی بن علی (ع).
- موسوی خمینی، روح اله (۱۳۷۹). تحریر الوسیله. جلد دوم،
قم: موسسه مطبوعات دارالعلم.
- مهرپور، حسین و روشن، محمد (۱۳۹۱). مطالبات زوجه و
روش وصول آن. تهران: چاپ اول، انتشارات جنگل / جاودانه.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴). جواهر الکلام فی شرح شرائع
الإسلام. جلد سی و یکم و سی و دوم، بیروت: دار احیاء التراث
العربی.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۱۲). جواهر الکلام فی شرح شرائع
الإسلام. جلد چهارم، بیروت - لبنان: دار احیاء التراث العربی.
- یدالهی باغلوئی، عباس؛ آذین، سید محمد و عمانی سامانی،
رضا (۱۳۹۵). «بررسی حقوق غیر مالی زن حامل در قرارداد
جانشینی در بارداری». مجله حقوق پزشکی، ۳۶: ۵۵-۷۶.